

# «نوروز» کاروان مهر و پیام‌آور صلح در دیار ملت‌هاست

نوروز این تجلی مرز‌نورد که به رداي فاخر مه‌روزی، میهمان دیگر ملل گردیده و در سفینه زمان به شهروندی پر افتخار میان آنها ممتاز شده، به مثابه میراث مشترک بخشی از جهان در غلاف پاسداری فراختر بر مدار استمرار در جهان فرهنگی جای گرفته است. فرهنگ نوروز توانسته است در آفرینش وفاق و همگرایی بشری، در ریل انتقال بین‌نسلی، جای مستحکم نماید و در پاسخ به نیاز تقسیم و تنظیم زمان در زندگی انسان و تکرار شیرین آن بر پرده‌ای رنگین به نام تقویم، جایگاهی ممتاز، آغازگر، امیدبخش و صلح‌آور را به خود اختصاص دهد. جلوه‌ها و نمودهای پرآبادی نوروز در برگ‌های تقویم شمسی از برای میراثی فراتر از یک جشن حکایت دارد که طلیعه آن از نیمه‌های زمستان آغاز و بدرقه آن تا نیمه‌های بهار به طول می‌انجامد و در جغرافیای بیسقط ایران فرهنگی بزرگ و تنیدگی‌اش از دور دست‌های تاریخ با آیین‌های مهر و میترا در سایه عبوری آگاهانه به ظهور و بروز در ادیان و مذاهب یکتاپرستی می‌رسد و در مسیر حضور سیالشان بسان موجودی زنده و در تعامل با هستی هوشمند، نزد محیط و مخاطب رنگ و رخسار تازه می‌کند و ضمن پیوند با دیگر ارزش‌های فرهنگی بر پای دارد گناش ریشه‌های هویتی و چیستی و چرایی‌اش را در پاسخ به نیاز انسان بر موند زمان، از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌کند و به پایداری اندیشه و باور مندی‌های بلوغ یافت‌اش در عرصه فرهنگ، از میراث گرانگسنگ نبوی توشه می‌گیرد و اینچنین در هزاره سوم زیست انسان در جهان پرچم صلح برافراشته می‌دارد و در سپهر فرهنگی والا و متعالی جلودان منور می‌تابد.

این کهنسال جشن ایرانی که به غنای جوهری و شکوه و تلون صوری به چراغ آیین‌های پیشا و پسا نوروزی، در زمره میراث بشری بر تارک جهان چون ستاره‌ای درخشان است، ما را قادر می‌سازد تا عمق خرد و دانایی را در نور و آیین به‌جای مانده از نیکان‌مان توأمان ببینیم و شگفتی‌های آن را به زبان و ادبیات صلح نقل کنیم و در جهان بنان بیابیم و آن را به اشترک بگذاریم، زیرا که نوروز از ماست و ما از نوروزیم که رستاخیز طبیعت را چون نشانه‌ای از عالم قدسی و وعده رسول می‌دانیم و مومن به رستاخیز عالمیم و معاد را در دل و در سر زنده داریم.

■ **هفت سین، سماغی مملو از معنا و پنداره‌های کهن**

هفت سین به عنوان یکی از نمادهای شاخص نوروز، سماغی ملون و مملو از معنا و پنداره‌های کهن است. هفت سین، سنتی گرامی در نوروز و نسال نوی ایرانی

است که دارای اهمیت فرهنگی عمیق در میان ما ایرانیان است و ما آن را فرخنده و میمون می‌دانیم و به میمنت فارسی سال نوزیباترین نمادهای زیستی و متعالی خود را در آن متجلی می‌سازیم و گرد آن به سرور می‌نشینیم. هفت‌سین در زبان فارسی گسترده سفره‌ای مزین به نمادهایی هفتگانه است که هر کدام با حرف فارسی «س» شروع می‌شود و ما برای استقبال از سال نو، آنها را به مثابه نمادهایی از تجدید، شکوفایی، رفاه و برکت می‌شناسیم. بر جستگی هفت سین همانا گوهر معنوی نوروز را تجسم بخشیدن است که پیام اصلی آن معنای فرارسیدن بهار و تجدید چرخه زندگی است که در این میان به ادبیات اسطوره‌ای نمادین ما چنین شناخته می‌شود:

**سبزه:** نماد تولد دوباره، رشد و باروری است. سبزیگی نمایانگر رستاخیز طبیعت و فرارسیدن بهار و آغازهایی نو و عبور از مرگ به بی‌مرگی در جهان باقی است که ریشه در باور مندی توحیدی ما دارد.

**سمنو:** سمنل دارایی، ثروت و شیرینی در بطن زندگی و منعکس‌کننده رفاه و خوشبختی برای پیشواگیری سال پیش‌روست.

**سنجد:** نماد عشق، شفقت و شفای تن است که قدرت لایزال اتحاد و ارتباط درون خانواده را معرفی می‌کند. **سبزه:** سمنل شفابخشی و سلامتی و محافظت از جسم فرسوده سنده انسان است.

**سوسیس:** نمایانگر زیبایی، سلامتی و اعتدال در حیات ماست، سیب را میوه‌ای از بهشت و نماد زیبایی پنداشته‌اند و در کتب طب و حکمت به وفور در فواید آن نوشته‌اند.

**سماغ:** سماغ نماد صبر و بلوغ و طلوع یک روزی جدید در پی شکیبایی و نشان دهنده پیروزی نور بر تاریکی است.



**سرکه:** نماد فضیلت در سایه پیری، مؤید خرد و پشتکار انسان در مواجهه با سختی‌های روزگار که از مغان آور عمری طولانی و توأم با سرزندگی و سلامتی است، سرکه نماد استقامت در زمان و تعادل بخش میان تلخی و شیرینی در زندگی است.

**سکه:** برخی بر این باورند سکه نماد «دارایی» و آب که نماد «پاکی و روشنائی» است، آینه‌گونه است که به تأکید آنها در کنار هم قرار می‌نهند و سکه‌ها را درون ظرفی از آب به امید ازدیاد ثروت و دارایی‌های دنیایی، در مقابل آیینی می‌گذارند.



سبزه: نماد تولد دوباره، رشد و باروری است. سبزیگی نمایانگر رستاخیز طبیعت و فرارسیدن بهار و آغازهایی نو و عبور از مرگ به بی‌مرگی در جهان باقی است که ریشه در باور مندی توحیدی ما دارد.

**سمنو:** سمنل دارایی، ثروت و شیرینی در بطن زندگی و منعکس‌کننده رفاه و خوشبختی برای پیشواگیری سال پیش‌روست.

**سنجد:** نماد عشق، شفقت و شفای تن است که قدرت لایزال اتحاد و ارتباط درون خانواده را معرفی می‌کند. **سبزه:** سمنل شفابخشی و سلامتی و محافظت از جسم فرسوده سنده انسان است.

**سوسیس:** نمایانگر زیبایی، سلامتی و اعتدال در حیات ماست، سیب را میوه‌ای از بهشت و نماد زیبایی پنداشته‌اند و در کتب طب و حکمت به وفور در فواید آن نوشته‌اند.

**سماغ:** سماغ نماد صبر و بلوغ و طلوع یک روزی جدید در پی شکیبایی و نشان دهنده پیروزی نور بر تاریکی است.

**فرهنگ نوروز توانسته است در آفرینش وفاق و همگرایی بشری، در ریل انتقال بین‌نسلی، جای مستحکم نماید و در پاسخ به نیاز تقسیم و تنظیم زمان در زندگی انسان و تکرار شیرین آن بر پرده‌ای رنگین به نام تقویم، جایگاهی ممتاز، آغازگر، امیدبخش و صلح‌آور را به خود اختصاص دهد**

■ **دیگر نمادهای معنوی نوروز**

اما نوروز مزین به نمادهایی دیگر است که با حرف سین آغاز نمی‌شوند اما عناصری برجسته و قدسی در ساخت معنوی نوروزند. نمادهای دیگری چون کتاب آسمانی، شمع، شیرینی، ماهی و آیینی که هر یک مبین نیازهای انسان در زمانه‌های زیست و اعتقادات بالنده و برای رسیدن به خوشبختی است و از حیات انسان در سایه نیک زیستن و رهسپاری عزتمندی به حیات باقی، گزاره می‌کند.

**قرآن کریم:** کتاب آسمانی مسلمانان امروز نخستین عنصر خرد ملون و منور نوروزی است. کتاب آسمانی ما مسلمانان جهان «قرآن کریم» آن نمود کلام وحی بر فرستادش بیا مبر مهربانی حضرت محمد مصطفی (ص) است که بر چمدان هدایت به نیکبخت زیستن و با پاکی و تقوی به سوی معبود شتافتن است و اگر چه به حرف سین آغاز نمی‌شود اما نخستین نماد سماغ نوروزی است که به یاد نداریم بدون برکت آن در این آیین والا و شادمانه، نوروزی را به سر برده باشیم.

**آیینی و شمع:** آیینی نمادی از بازتاب و تداوم چرخه زندگی است. آیینی نماد تصویر است، نماد پیدایش خود انسان به نور و روشنائی مقابل خویشتن است. آشنندان نیز امروزه نقش خود را به شمع در شمعاند بخشیده است، شمع نماد پایداری نور و گرم‌ماست و معرف روشنگری، انرژی و پاکسازی که در دوسوی آیینی به قرینه می‌نشیند و گاه به تعداد فرزندان خانواده بر این خوان بهاری شمع روشن می‌گردد. شمع‌ناماد شادی و روشنگری در زندگی هستند.

**ماهی قرمز:** نماد حیاتی بر تکاپو به سوی زیستی امن و آسوده است که البته مورد مناقشه برخی نوروز پڑوهان امروز است و جای بحث و گفت‌وگو بسیار دار اما یقیناً ماهی در فرهنگ ایرانی سمنل حیات و تکاپو و امید است و در منابع اسلامی سمنل ثروت است.

**دیوان حافظ یا شاهنامه:** از آنجایی که میراث زنده در پاسخ به نیاز حاملان و ناقلان آن به نسل‌های آتی تغییر



می‌یابد و به روز می‌شود و البته به ریشه محتوایی و معانی خود وفادار باقی می‌ماند حافظ‌خوانی نیز از سنت‌های نوروزی و تقال بدان در زمره نمودهایی در این فرهنگ صلح‌پرور و مهر‌گستر است که بسان پلدا در این فرهنگ نیز نشوونمایی نو دارد و نمایانگر حکمت و ادب در سایه به دانایی زیستن است.

■ **هفت سین مظهر روح تجدید و امید**

اینچنین است که هفت سین مظهر روح تجدید، امید و میراث فرهنگی ما ایرانیان فرهنگ پرور است. نوروز و هفت سینش زمان تأمل، سیاست‌گزاری و انتظار برای شادی‌ها و برکاتی است که سال جدید به همراه خواهد داشت. ایرانیان و فرهنگ نوروزشان در کنار مردمان فرهنگ‌های مختلف در آرج نهادن به سنت‌ها، ارزش‌ها و زیبایی‌های جهان هستی این جشن مشترک جهانی را که پا از مرزها فراتر گذارده و دل‌ها را به هم پیوند داده به سرور می‌پرازند و آن را به شغف با می‌داند و در اتحاد با هم به انتظار آینده‌ای نیک می‌نشینند.

همانطور که سفره هفت سین خانه‌ها را با نمادهای درخشان و سنت‌های قلبی خود روشن می‌کند، یادآور مقاومت و تاب‌آوری و زیست‌پذیری در الگوهای سکونتی سنازگار با اقلیم و باورهای ارزشمند مبتنی بر تجربیات زیسته انسان و وحدت و غنای فرهنگی متنوع انسان است که گوهر نوروز و روح آغازهای جدید را به شکوه دانایی و خرد و چیره‌دستی در تعامل با زمین و منابع موجود در آن به تجلی‌گاه میراث‌های زنده بشری به مباحثات و فخری شکوهمند می‌رساند، آن را به مثابه میراث بشری به جهان و جهانیان هبه می‌کند و هر ساله محتوای پربار و مبتنی بر بینش و دانش و خرد و پند را به ایرانی‌ها و یادآوری می‌کند و بر شانه میراث‌دارانش، ستاره‌های نو و درخشنده‌تر از سال پیش را می‌نشانند.

■ **نوروز، مکررگاه فرهنگ‌های بشری**

نوروز مصداق‌نوی موسیقی صلح و دوستی و لیخند سرور و شادی خرمی است که از عزمی جزم برای تکاندن غبار از دل و دیده و کاشانه، حکایتی نغز و خوشه‌دار. نوروز این مکررگاه فرهنگ‌های بشری، در قامت میراث ایرانی و توراتی، منحصی در فرهنگ تکرک، مغول، تاجیک، ازبک و افغان در جغرافیای مشرقی است. نوروز در سینه‌های سیستماتی و کرمانی زنده و جاودان و بر شانه کردان و لران سرفراز به صیانتی بی‌بدیل امروز بر جان جهان ایران فرهنگی جاری و ساری رخ نمون است و زنده باد فرهنگ ناب دانایی و زنده باد صلح و زیستی پایدار بر مدار مهر و مودت.

■ **تیسر و مرکز میراث ناملموس**

فرزندپروری خود را جبران کنند- برای انجام همین کار مشکل دارند؟ یکی از دلایلی این است که ما گاهی می‌دانیم چه کاری را نباید انجام دهیم ولی نمی‌دانیم در عوض چه کاری را باید انجام دهیم.

الیزابت استیت، مربی والدین و نویسنده کتاب والدگری به‌مثابه زبان دوم، به من می‌گفت اگر افراد الگوهای دیگری غیر از والدین خود نداشته باشند، احتمالاً رفتارهای والدینشان -از جمله رفتارهای منفی- را به‌طور خودکار پیش‌فرض خود قرار می‌دهند.

استیت به من می‌گفت توصیه‌های والدین می‌تواند مفید باشد، اما جای مشاهده مستقیم را نخواهد گرفت. بسیاری از مراجعان او کتاب‌ها و مقالات زیادی مربوط به فرزندپروری خوانده‌اند و در این زمینه باسواد محسوب می‌شوند. آنها می‌دانند که باید به بچه‌ها چه بگویند، اما نمی‌دانند که با چه زبان بدن و لحنی آن را ادا کنند. پس آنچه واقعاً می‌تواند به افراد کمک کند تا از الگوی والدین خود دور شوند یافتن شخص دیگری در زندگی واقعی است تا از او تقلید کنند. یک الگو یا حداقل کسی که نقاط قوت خاص او نقاط ضعف والدینشان را جبران می‌کند.

عادات والدین می‌تواند به نحوی غیرمستقیم نیز منتقل شود. بسیاری از عواملی که می‌توانند بر والدگری فرد تأثیر بگذارند - مثل وضعیت اجتماعی- اقتصادی، سلامت روانی و مشکلات مصرف مواد مخدر- اغلب بین نسل‌ها مشترک است و برخی از آنها همچون تفاوت در خودکنترلی، تسلط تحریک‌پذیری، خلقی، اختلال بیش‌فعالی و نقص توجه و افسردگی حتی می‌توانند تا حدی تحت تأثیر ژنتیک به باشند. کودکانی همچون یک لوح سفید به دنیا نمی‌آیند و نقش‌ونگاری از نسل‌های پیشین، از همان بدو امر، در لوح وجودشان حک شده است.

■ **چرخه تکراری والدگری را بشکن!**

با وجود این کودکانی شما نباید تعیین‌کننده والدگری شما باشند. حال چاره‌ای از والدین می‌تواند این چرخه را بشکند و برخی دیگر - که عمیقاً به فرزندان خود اهمیت می‌دهند و بیش از هر چیز می‌خواهند اشتباهات



## آیا گریزی از میراث والدگری پدر و مادرهایمان هست؟

# وقتی والدینی شبیه والدین‌مان می‌شویم

چنین تجربه‌ای داشتند - کم یا زیاد، مثبت یا منفی یا خنثی- صحبت کردم، برخی خودشان غافلگیر شده بودند که چطور ناخودآگاه همان جملات و عباراتی را تکرار کرده بودند که والدینشان در گذشته به کار می‌بردند. برخی دیگر می‌گفتند که همان تیک‌های فیزیکی خاص والدینشان را انجام داده‌اند: مثلاً نگاه خنثی که حاکی از عصبانیت بوده، یا نفس عمیقی که از فشار و استرس زیاد ناشی می‌شده است. اما همه مثال‌ها این‌قدر جزئی‌ریز نبودند. بسیاری از افرادی که با آنها مصاحبه کردم می‌گفتند که ناخودآگاه نگرش و منشی کلی را در پیش گرفته بودند - سختگیری یا ایرادگیر یا زیادی مداخله‌گرانه - که به‌عزم خودشان بی‌شک از مادر یا پدرشان به آنها رسیده بود. برخی از این افراد واقعاً از این شباهت‌های رفتاری میان خود و والدینشان راضی بودند، اما اکثراً حداقل لحظه‌ای به خود آمده‌اند و نگران شده‌اند: بالاخره هم افرادی که کودک‌پروری رضایت‌بخشی داشته‌اند حتی بعضی کم‌وکاستی‌ها را از والدینشان به یاد دارند و صدا البته نمی‌خواهند همان را تکرار کنند.

■ **آیا عبور از میدان مین فرزندپروری ممکن است؟**

اما این‌طور که پیداست، عبور از میدان مین فرزندپروری بدون آسیب‌رساندن به فرزندان همیشه کار آسانی نیست. شاید ما ناخودآگاه از همان راهی برویم که والدین‌مان رفتند یا شاید در مسیر دورشدن از اشتباهات آنها مرتکب اشتباهات جدیدی شویم. به هر حال گویا میراث آنها همچون پیشگوی است که خبر از کم‌وکیف والدگری ما می‌دهد. اما آیا انتقال عادات پدر و مادر به ما اجتناب‌ناپذیر است؟

بعضی افراد اصلاً از کودکی‌شان راضی نیستند و دل‌شان نمی‌خواهد فرزندان‌شان مثل خودشان بزرگ شود. بعضی دیگر از شباهت‌های رفتاری خود و والدینشان راضی‌اند، ولی نمی‌خواهند کم‌وکاستی‌های آنها را تکرار کنند. تحقیقات نشان می‌دهد چرخه والدگری می‌تواند در پیوند با مفهوم «یادگیری اجتماعی» گرفته تا تأثیر ژنتیک و شرایط محیط، اما آیا این چرخه باید تا ابد ادامه پیدا کند؟ آیا ما مستحکم به تکرار والدگری پدر و مادرهایمان هستیم؟ یا به بیان دیگر، آیا کودکی ما تعیین‌کننده شیوه والدگری ما در آینده است؟ «فیت هیل» نویسنده و منتقد امریکایی در مقاله‌ای که در وبسایت آتلانتیک منتشر کرده به این موضوع پرداخته است.

وبسایت ترجمان نیز مقاله‌ای را با ترجمه نیره احمدی بازنشر کرده است. گزیده جستان‌های تلخیص شده این مطلب را در ادامه می‌خوانید.

بعضی افراد اصلاً از کودکی‌شان راضی نیستند و دل‌شان نمی‌خواهد فرزندان‌شان مثل خودشان بزرگ شود. بعضی دیگر از شباهت‌های رفتاری خود و والدینشان راضی‌اند، ولی نمی‌خواهند کم‌وکاستی‌های آنها را تکرار کنند. تحقیقات نشان می‌دهد چرخه والدگری می‌تواند در پیوند با مفهوم «یادگیری اجتماعی» گرفته تا تأثیر ژنتیک و شرایط محیط، اما آیا این چرخه باید تا ابد ادامه پیدا کند؟ آیا ما مستحکم به تکرار والدگری پدر و مادرهایمان هستیم؟ یا به بیان دیگر، آیا کودکی ما تعیین‌کننده شیوه والدگری ما در آینده است؟ «فیت هیل» نویسنده و منتقد امریکایی در مقاله‌ای که در وبسایت آتلانتیک منتشر کرده به این موضوع پرداخته است.

وبسایت ترجمان نیز مقاله‌ای را با ترجمه نیره احمدی بازنشر کرده است. گزیده جستان‌های تلخیص شده این مطلب را در ادامه می‌خوانید.

بعد از اینکه بچه‌دار می‌شویم، با لحظات عجیب و غریبی در زندگی روبه‌رو می‌شویم. در کشاکش رسیدگی به درس و مشق بچه‌ها یا در بدبوی‌های رساندن آنها به این کلاس و آن کلاس، یا کشمکش‌های لحظات خواب‌اندنشان، ناگهان چشمه‌ای از فکثر والدین‌مان را از خودمان نشان می‌دهیم. گویی ناگهان طرز رفتار یا گفتار خاصی از خاطرات کودکی به زمان حال منتقل می‌کند و این بار کسی که دارد آن را انجام می‌دهد ما هستیم. من با ۱۷ فرزند از کسانی که

بعد از اینکه بچه‌دار می‌شویم، با لحظات عجیب و غریبی در زندگی روبه‌رو می‌شویم. در کشاکش رسیدگی به درس و مشق بچه‌ها یا در بدبوی‌های رساندن آنها به این کلاس و آن کلاس، یا کشمکش‌های لحظات خواب‌اندنشان، ناگهان چشمه‌ای از فکثر والدین‌مان را از خودمان نشان می‌دهیم. گویی ناگهان طرز رفتار یا گفتار خاصی از خاطرات کودکی به زمان حال منتقل می‌کند و این بار کسی که دارد آن را انجام می‌دهد ما هستیم. من با ۱۷ فرزند از کسانی که

بعد از اینکه بچه‌دار می‌شویم، با لحظات عجیب و غریبی در زندگی روبه‌رو می‌شویم. در کشاکش رسیدگی به درس و مشق بچه‌ها یا در بدبوی‌های رساندن آنها به این کلاس و آن کلاس، یا کشمکش‌های لحظات خواب‌اندنشان، ناگهان چشمه‌ای از فکثر والدین‌مان را از خودمان نشان می‌دهیم. گویی ناگهان طرز رفتار یا گفتار خاصی از خاطرات کودکی به زمان حال منتقل می‌کند و این بار کسی که دارد آن را انجام می‌دهد ما هستیم. من با ۱۷ فرزند از کسانی که